

راه‌های حج در دوره صفویه

اسرا دوغان

هجری، در زمان سلطان محمود چهارم، پادشاه عثمانی انجام شده و از تمام شهرها و زیارتگاه‌های میان راه، در سفرنامه او یاد شده است. در مجلد ۹ و ۱۰، سفر وی به حجاز، سپس به مصر و سودان نوشته شده است.

اولیا چلبی در ۱۰۸۸ق. در سن ۶۰ سالگی، به همراه صرّه همایونی از استانبول حرکت کرده و تا آدانا به همراه صرّه پیش رفته است. او تمام جزئیات مربوط به اخراج صرّه، حرکت، جشن‌ها و ساختار سفر را در کتاب خود آورده است.

چلبی در آلمنه از کاروان جدا شد و به راهی دیگر به مرعش و عین تاب، که شهرهای مهم آن دوره بودند، رفت. از آنجا به حلب و بیروت و قدس عزیمت نمود.

در موسم حج‌گزاری، که دولت عثمانی میزبان آن بود، محمل روم، مصر و یمن به سوی حجاز حرکت می‌کردند.^۱ تا سال ۱۳۰۱، محمل مصر از راه عقبه و یا از راه القصیر به وسیله کشتی به سوئز می‌رفت.^۲

مهمترین سفرنامه‌ای که در اوایل دوره عثمانی نوشته شد، سفرنامه اولیا چلبی است. سفرنامه او، از ارزشمندترین سفرنامه‌های قرن ۱۱ به شمار می‌رود. اولیا چلبی ۱۰۲۰ در استانبول به دنیا آمد و تمام عمر خود را در سفر سپری کرد.

سومین جلد از سفرنامه ده جلدی او، از استانبول تا شام را شرح داده و مسیر او همان است که حجاج شام از آنجا به مکه می‌رفتند. این سفر اولیا چلبی در ۱۰۸۷

تعریف براساس حرکت مسافر در حالت پشت به استانبول بیان شده است). این مسیر با گذر آناتولی از شمال غرب به جنوب شرق، به حلب و شام متصل می‌شد. راه استانبول - مکه، یکی از هفت مسیر ارتباطی موجود در زمان امپراتوری عثمانی بود و به احتمال زیاد یکی از پر رفت و آمدترین راه‌های چاپار نیز بوده است. این راه، جاده اصلی ارتباطی بین پایتخت و اماکن مقدس به شمار می‌آمد.

صرّه تا سال ۱۲۸۱ از راه خشکی به وسیله قاطر و شتر به حجاز فرستاده می‌شد.

از این تاریخ به بعد، از راه دریا و با کشتی ارسال شده و تا سال ۱۳۲۷ ادامه داشت. از سال ۱۳۲۷، پس از احداث راه آهن حجاز، صره‌ای که قبلاً به طور معمول در دوازدهم ماه رجب، از راه خشکی ارسال می‌شد، از مسیر دریا به خاطر کوتاهتر شدن راه، در پانزده شعبان ارسال شد.

دولت عثمانی به همان اندازه که به راه‌های نظامی توجه می‌کرد، به راه‌های حج نیز اهمیت می‌داد. این راه همیشه مورد توجه و عنایت خاص خیرین و نیکوکاران بود. حفاظت از این راه به عهده تشکیلات

اولیا، قصد داشت در قدس به کاروان مصر ملحق شده، همراه آن به حج برود، ولی در آن سال به دستور پادشاه، کاروان ده روز زودتر به راه افتاد. به همین خاطر وی مجبور شد با کاروان شام به مکه برود. حسین پاشا، پاشای شام، نیازهای او و همراهانش را از شام تا مکه تأمین کرد.

چلبی در بیست شوال سال ۱۰۸۱ ه. از شام حرکت کرد و به همراه هزار نفر از حجاج ایرانی که به کاروان شام پیوسته بودند، به شهر مکه عزیمت نمود. او می‌نویسد: از هر حاجی ایرانی ۱۵ سکه طلا می‌گرفتند.

سفرنامه اولیا چلبی مفصل‌ترین نوشته در خصوص مکه و مدینه است. اولیا چلبی مسیر آناتولی را نیز برای ما شرح داده است.^۳

در اینجا شرح مسیر آناتولی و ارسال صره همایونی، از آنجا به مکه، و حج‌گزاری عثمانیان و مسیر حرکت حجاج عثمانی، موضوع بحث ما نیست، لیکن از آنجا که اولیا چلبی در سفر خود از این مسیر نیز گذشته، شرح مختصری در این خصوص ارائه می‌کنیم:

راه حج آناتولی، مسیر سمت راست از میان سه مسیر تردد چاپارها بود. (این



دریند قرار داشت.

این جاده در طول هشت ماه از سال، مسیر رفت و آمد حجاج بود. طول مسیر میان شام و مدینه ۲۴۷ ساعت، مسیر میان شام و مکه ۶۱ روز و راه بین مکه و مدینه ۱۰۶ ساعت بود.

کاروان‌هایی که از شام و مصر حرکت می‌کردند و حجاج و اشیا و اسباب به‌همراه خود می‌بردند، کاروان‌های سنگین تلقی می‌شدند. این کاروان‌ها در فصل سرما، فقط روزها حرکت می‌کردند. کاروان شام شامل شصت تا هفتاد هزار نفر بود و کاروان مصر از چهل تا پنجاه هزار حاجی تشکیل می‌شد. کاروان‌ها در طول شب راه می‌رفتند و کاروان صُرّه (کیسه‌های حاوی پول برای فقرای مکه و مدینه)، هدایا برای شریف را با خود حمل می‌کرد. این صُرّه به شدت از طرف یشی چری‌ها محافظت می‌شد. لیکن با این وجود، در بعضی موارد، از حمله قبایل غارتگر عرب در امان نمی‌ماند.

۱. مسیر حج ایرانیان

ایرانیان دو راه عمده برای حج داشتند؛ هر چند این دو راه، گاه به چند راه فرعی منتهی می‌شد؛ راه جبل از بغداد یا بصره به سمت حجاز و راه شام. راه اول نزدیک اما

پر خطر بود و راه دوم بسیار دورتر اما کم‌خطر و زیر نظارت دولت عثمانی. هر دو راه مشکلات جانبی هم داشت و گاه این مشکلات سبب تعطیلی حج می‌شد. نامه زیر نشان‌گر مشکلاتی است که در راه جبل وجود داشته و ما پیش از بحث از راه‌های حج ایرانی‌ها، آن را به عنوان یک سند، که می‌تواند زمینه این بحث باشد، می‌آوریم:

شاه عباس دوم (م ۱۰۷۷) نامه‌ای در باره امنیت راه حج به شریف مکه فرستاد. در این نامه آمده است:

چند سال قبل سلطان ایران شنید که قافله‌های حج و عمره، که از ایران به مکه اعزام می‌شدند، در راه گرفتار صدمات مالی و جسمی فراوانی شده و بلاایای عظیمی از جهات مختلف بر آنان فرود می‌آید، به خاطر اهمال مباشرین راه، نسبت به ورود و خروج و ایجاد تأخیر در حرکت کاروان‌ها و به سبب توقفاتی که اعراب میان راه ایجاد می‌کنند. در برخی سال‌ها زمان حج از ایران فوت می‌شود؛ چرا که آنان موقوف عرفه و مشعر را درک نمی‌کنند. به همین دلیل از سوی سلطان ایران فرمان تعطیلی حج و منع قافله‌ها صادر شد؛ کاری که براساس امثال دستور خداوند و ملاحظه حال

اگر بر شروط خود باقی مانده و چیزی از آن را تغییر ندادند و قافله‌ها را همانگونه که ملتزم شدند حرکت داده و از شرّ اعراب حفظ کرده، در وقت مناسب آنان را به مکه رساندند، از همان راهی که برده‌اند، بازگردند، طبیعی است که در این صورت راه حج در تمام بلاد و برای همه کاروان‌ها، از هر نقطه باز است و هر سال بیشتر و بیشتر خواهد شد. اما اگر به شروط خود پای‌بند نباشند، در این صورت ما به لحاظ شرعی، به احدی اجازه حرکت در این مسیر را ندهیم و آن نواحی را از این همه فواید محروم گردانیم. گناه آن هم بر عهده کسانی است که شروط را عوض کردند و آنان پاداش عمل خود را می‌بینند.^۴

مسیرهای انتخابی ایرانیان

مسیر آناتولی:

این مسیر، از وان به طرف وسط غرب آناتولی بیزینک به حلب و مسیر رسمی شام به مکه است.

حجاجی که از داخل آناتولی و از مسیر فوق و سایر راه‌های غیر رسمی به سمت شام می‌رفتند، امنیت و تضمینات لازم را از طرف دولت عثمانی دریافت نمی‌کردند؛ زیرا عثمانی‌ها فقط مسیر رسمی

رعیت بود. امسال حاکم بصره نماینده‌ای نزد ما فرستاد و از ما خواست تا به کاروان‌ها اجازه حرکت دهیم. او متعهد شد تا حجاج را به سلامت تا مکه برساند. از آنجا که مأموران بزرگوار شما همیشه در رعایت حال حجاج و زوار به‌ویژه زائرانی که اهل بلاد و شهرهای ما هستند، می‌کوشند و از هیچ کوششی در حفاظت جان و مال آنان دریغ (نمی‌کنند) و اجازه نمی‌دهند که از سوی احدی به آنان آزار و ستمی برود. ما هم دستور دادیم که از هر نفر پنج سکه طلا گرفته شده و بر سبیل نذر و هدیه به شما پرداخته شود تا رشته‌های محبت استوار شده و تسکین بر رنج و مشقت باشد که در این خدمت خود متحمل می‌شوید.

طریق اخلاص و دوستی که پیوسته آن دستگاه شریف با این دولت علیّه صفوی دارد، اقتضا می‌کند تا در اکرام به قافله‌ها، که از طریق بصره می‌آیند کوتاهی نکرده، دست اهل مکه را از تجاوز به آنان بازدارند؛ چون آنان میهمان خدا و شمایند و کرامت در حق میهمان، از سنن اسلاف بزرگوار شماست و اجازه ندهید کسی آنان را مجبور کند تا از راه دیگر برگردند که در سال‌های پیش، از این بابت ضررهای زیادی پیش آمده است.



کرده و درگیری‌ها و مشکلات مسیر، از کنار رود فرات تا حلب را شرح داده است. این امر نشان می‌دهد که در آن دوره، مسیر آناتولی برای حجاج ایرانی امنیت لازم را نداشته است. او در مورد درگیری عجم آقاسی با مهاجمان میان ارز روم و ارزینجان، معلومات کاملی ارائه می‌کند. این امر در واقع درگیری و نزاع صرف نبود، بلکه جنگی بود که بانوی اصفهانی آن را به زبانی شیوا آورده است.^۵

راهپیمایی کاروان در کنار مسیر فرات و سختی‌های گذر از رود، دشواری‌های سفر با شتر، باریکی راه و اذیت‌های موجود در این مسیر را می‌توان از زبان این بانو دریافت.

غیر از مطالبی که گذشت، در خصوص نا امنی مسیر حج آناتولی شرقی، معلومات دیگری نیز در دست داریم. شاه قلی بابا تکه‌ای و همراهانش در فرار به سمت ایران، به جهت درگیری با دولت عثمانی، در سر راه خود یک کاروان ایرانی را که از ارزروم به حجاز می‌رفت، مورد تاخت و تاز و چپاول قرار دادند و تمام افراد آن، به‌ویژه شیخ ابراهیم شبستری، مؤلف «انبیا نامه» را به قتل رساندند. از این رو در ورود به ایران، از طرف شاه

حج را تحت الحمايه خود داشتند و این مسیر، از طرف دولت عثمانی، به عنوان مسیر حج شناخته نمی‌شد. مسیر رسمی آناتولی از استانبول آغاز و به اسکودار، ازنیق، اسکی شهر، قونیه، آدانا، طرسوس و حلب منتهی می‌شد. در نیمه نخست قرن دوازدهم هجری، بانویی از این مسیر به حج رفته و خطرهای موجود در این راه را نقل کرده است. این بانو از دارالسلطنه اصفهان به راه افتاد و مسیر کاشان، قم، ساوه، قزوین، سلطانیه، زنجان، میانه، تبریز، اردوباد، نخجوان و ایروان را طی کرده و وارد کشور عثمانی گردیده است.



او در کتاب خود، که به صورت منظوم است، حمله رومیان به کاروان خود را ذکر

کاروان‌های حج به استانبول می‌رفتند. بی‌شک در این دوره، گروه‌های بسیاری از مردم نیز به تنهایی و بدون حمایت کاروان‌های رسمی حج، به مکه می‌رفتند.

در سدهٔ شانزدهم و اوایل سدهٔ هفدهم میلادی، در بارهٔ مسیر و کاروان حج مصر، معلومات زیادی وجود دارد. حجاج شمال آفریقا (مراکش، مغرب، تونس و الجزائر) از راه دریا و یا خشکی به مصر می‌آمدند و پس از حرکت از قاهره، از راه خشکی عقبه به مکه می‌رفتند و یا از راه دریا به این شهر می‌رسیدند.

عبدالقادر بن محمدبن عبدالقادر بن محمد انصاری الجزری الحنبلی (متوفای ۹۷۷) در کتاب خود، در بارهٔ مسیر مصر و کاروان آن و محمل حج، معلومات زیادی را بیان کرده است.^۸ از آنجا که او و پدرش از این مسیر به سفر حج می‌رفتند، این راه را به خوبی می‌شناخت. او در جلد دوم کتاب خود، راهنما و منازل مسیر مصر و حوادث نیمهٔ دوم قرن دهم هجری را به تفصیل آورده است. وی در کتابش به فرستادن محمل از حلب و کرکک در بعضی سال‌ها نیز اشاره کرده است.

الجزری محمل مصر و شام را

اسماعیل مورد سرزنش قرار گرفته، مجازات شدند. تکه‌ای‌هایی که در قلمرو ایران پراکنده شده بودند، بعدها در زمان شاه طهماسب اول، روابط حسنه‌ای با دولت عثمانی داشته و در زمان شاه عباس اول، سر به شورش برداشتند و به آن‌سوی خزر کوچ کردند و با دیگر ترکمن‌های ماورای خزر متحد شدند.^۶

حجاج ایرانی که عازم مکه بودند، گاه برای رسیدن به دریای سیاه، از مسیر بیابان نیز استفاده می‌کردند.^۷ این مسیر با گذر از شمال دریای خزر و بیابان‌های موجود در راه، به دریای سیاه متصل می‌شد.

مسیر مذکور همان بوده که حجاج ترکستان در رفتن به مکه استفاده می‌کردند. با توجه به این‌که حجاج این مسیر بسیار اندک بوده‌اند، به نظر می‌آید در زمان وخامت روابط میان صفویان و عثمانی‌ها، حجاج احتمالاً از این راه به مکه می‌رفتند؛ زیرا در خصوص آن معلوماتی در اختیار نداریم. ایرانیان همانند حجاج ترکستان از این طریق به راه افتاده، پس از عبور از بیابان‌های مسیر، به دریای خزر می‌رسیدند. آنان در آستارا خان اتراق کرده، سپس به بنادر عثمانی در شمال دریای سیاه، مانند کفه و اوژو آمده و برای ملحق شدن به



در قرن ۱۷ میلادی، یک حاجی مسیحی، سفری را که به همراه سایر حجج مسیحی به قدس داشت، وصف می‌کند. سیمون لهستانی در بین سال‌های ۲۹-۱۰۱۷ از استانبول حرکت کرده، ابتدا به قاهره آمده و از آنجا به محمل شام، که به سمت مکه حرکت می‌کرد، ملحق شد.

او در شهر رمله، از این کاروان جدا شد و به همراه همسفران خود به طرف قدس و حلب رفت. او تمام حوادث به راه افتادن محمل، جشن‌های مربوط به آن، ساختار کاروان حج، دشواری‌های سفر، مسیرهای حرکت و به‌طور خلاصه، ارسال محمل از مصر به مکه را شرح می‌دهد.^{۱۳}

۲. مسیر شام

در مورد کاروان حج شام در قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ میلادی، هیچگونه سند مکتوبی در اختیار نداریم. بعد از این تاریخ، معلومات، اسناد و سفرنامه‌های زیادی در مورد کاروان شام به ثبت رسیده است. کاروان شام، کاروان بسیار بزرگی بود. ابتدا حجج بالکان به استانبول می‌رسیدند. جمعیت حجج عثمانی هم اجتماع کرده و پس از آن که همه در اسکودار جمع می‌شدند، همراه صرّه همایونی حرکت

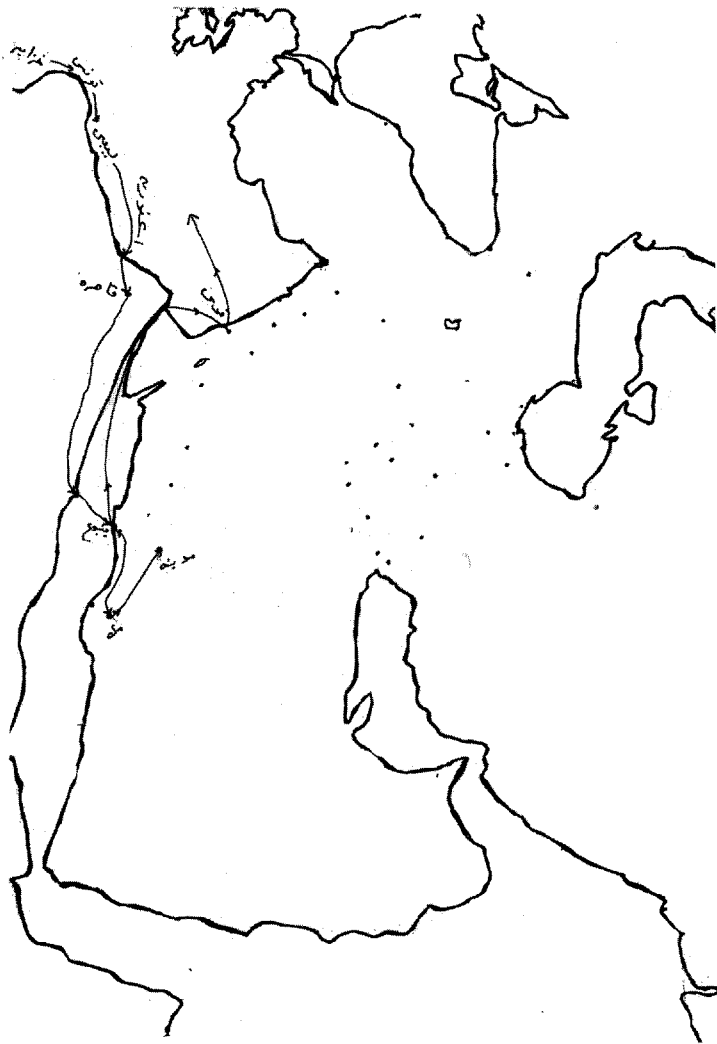
توصیف کرده، می‌گوید: محمل یمن به هیچ‌وجه قابل مقایسه با این محمل‌ها نیست. او چهار مسیری را که از مصر به مکه وجود داشت، شرح می‌دهد.^۹ الجزری بعد از ترسیم مفصل مسیر شام، به شرح منازل مسیر عراق - مکه در آن دوره می‌پردازد.

وی در کتابش گزارشی را که احمد بن محمدالمغربی گرانادایی در مورد مسیر حج عراق به مکه نوشته بود، جای داده است.^{۱۰} الجزری در کتاب خود، به نقل از کتاب «الممالک» علامه ابن فضل الله العمری، این مسیر را وحشی‌ترین راه در بین تمام راه‌های حج توصیف می‌کند.^{۱۱}

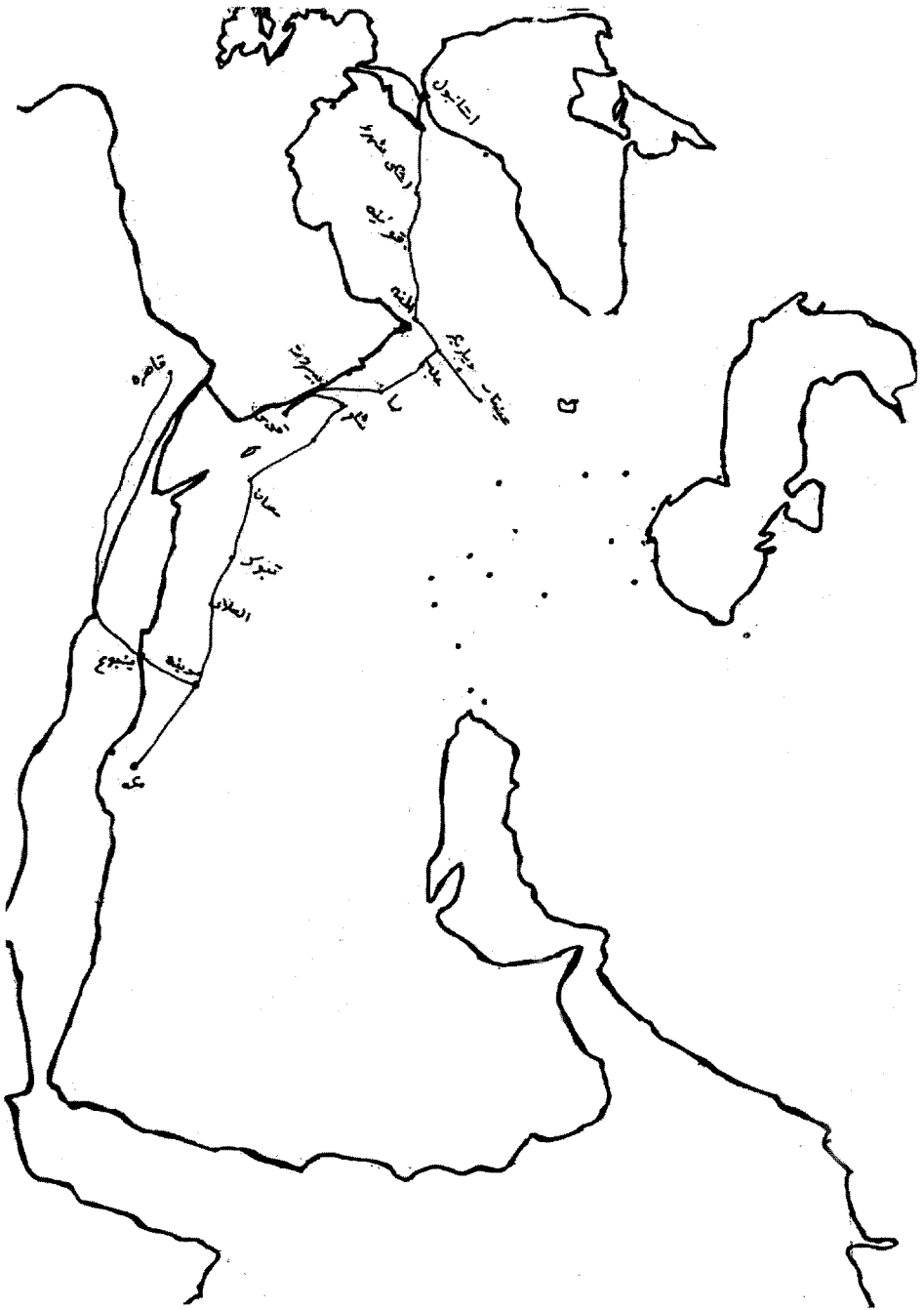
او در تصویر حج سال ۶۷۸، وجود چهل هزار حاجی مصری و در عین حال حضور همان تعداد حاجی سوری و عراقی را ذکر می‌کند.

ابو سالم عبدالله بن محمد عیاشی در سال ۱۰۷۲ هـ. از وطن خود الجزایر حرکت کرد و پس از عبور از تونس و لیبی، به اسکندریه آمد. او از اسکندریه به راه نیل به یمن آمده، سپس از راه خشکی به مکه رفت. از آنجا به مدینه و در یکم ربیع الثانی از مدینه به رمله فلسطین حرکت کرد. پس از زیارت قدس در سال ۱۰۷۴ هـ. به کشور خود بازگشت.^{۱۲}

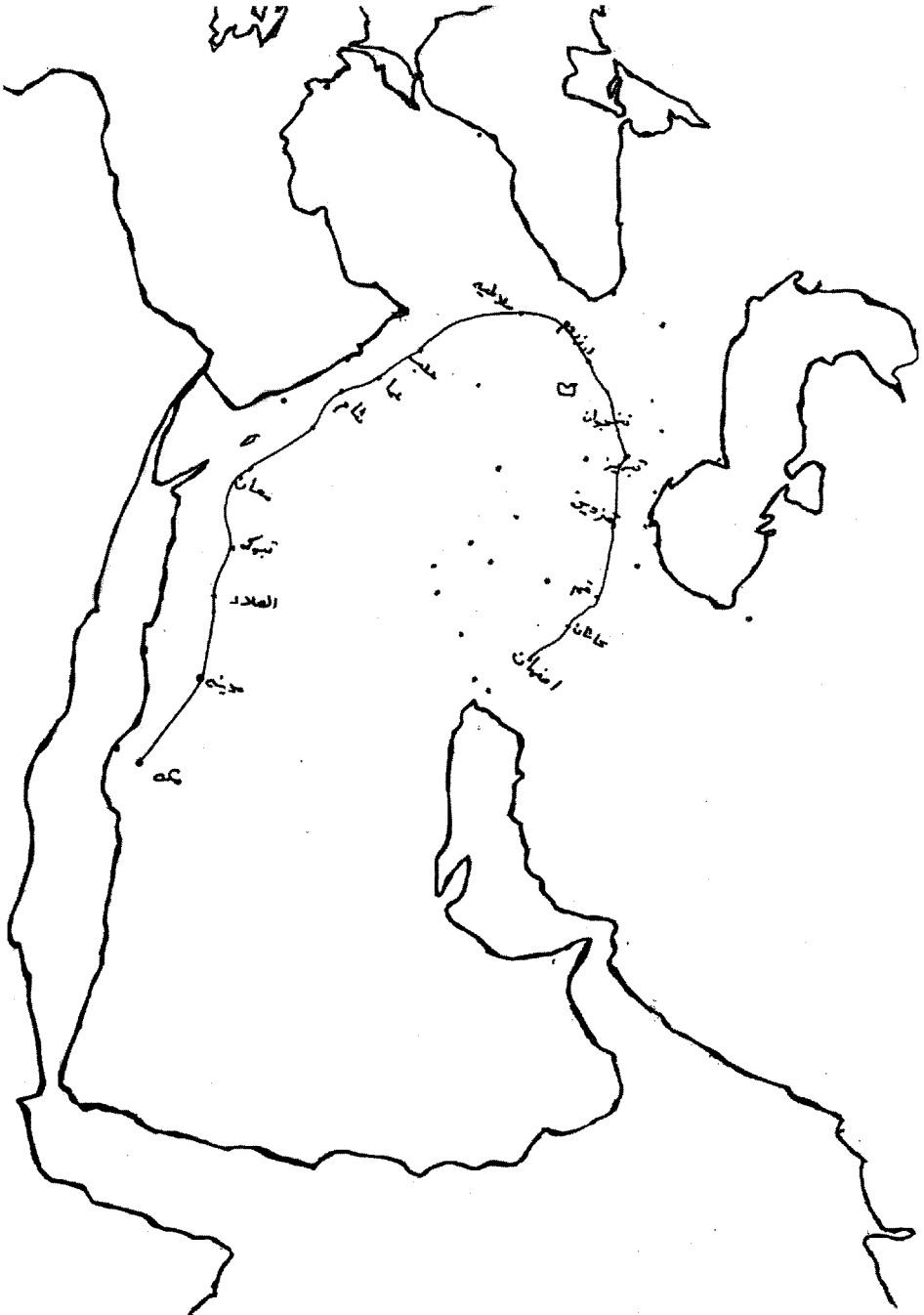
کرده، به ازبیک، اسکی شهر، قونیه، آدانا،
 طرسوس و سرانجام به حلب می‌رسیدند.
 حجاج ایران، عراق و بلاد شام در
 دمشق گرد هم می‌آمدند و پانزده روز در
 آنجا جشن می‌گرفتند و از راه زرقا، قطرانه،
 معان، تبوک و علا به مدینه رفته و از آنجا
 راهی مکه می‌شدند.
 از کسانی که در دوره صفویه، از راه
 شام به حج رفت، بانوی اصفهانی بود که
 بیشتر اشاره شد. وی به عنوان یک حاج
 خانم ایرانی به حلب و دمشق آمده، آنگاه
 همراه محمل شام عازم حج شده است.



سفرنامه ابوسالم عبدالله بن محمود عیاشی (۱۰۷۲)



سفرنامه اولیا چلبی (۲-۱۰۸۲)



سفرنامه بانوی اصفهانی (قرن ۱۲)



ساکن در قلمرو عثمانی، در حین عبور از مسیر حج، بسیار هراسان بودند. از این‌رو، عثمانیان مسیر بغداد - بصره را در زمان‌های مختلف برای حجاج ایرانی ممنوع می‌کردند و ایرانیان را مجبور می‌کردند تا از راه رسمی حج؛ شام، قاهره و یمن به مکه بروند. به خصوص با مرگ شاه طهماسب، گذرگاه لحسانه تنها بر روی حجاج ایرانی، بلکه برای تمامی حجاج مسدود شد. با وجود مسدود شدن این راه، دولت عثمانی نتوانست از ورود جاسوسان صفوی به قلمرو عثمانی ممانعت به عمل آورد. در سندی به تاریخ ۹۸۹، از مورد اتهام به جرم خرید فرماندهان عثمانی در طول مرزهای این دولت با صفویان و ایجاد اغتشاش در بین زائران مکه در مراسم حج سخن به میان آمده است.

DM42/175/558,988

۳. مسیر بغداد

از سمت بغداد دو راه برای حج بود؛ یکی به راه جبل از کوفه با گذری از بیابان طولانی میان سوریه و عراق به مکه و دیگری از طریق موصل و حلب در حاشیه فرات شمالی و سپس مسیر به سمت غرب می‌رفت و به حلب و شام رسیده، از آنجا همراه محمل شام به مدینه می‌رسید.

شیخ علی جبل عاملی (۱۱۰۳/۱۰۳) در سال سه بار به زیارت حج مشرف شد که یک مورد آن در ۱۰۳۳ از راه شام بود. در این سفر شیخ حر عاملی هم با آنان همسفر بود. او می‌گوید: کاروان شام دو گروه بودند؛ مقاطره و شعاره. مقاطره کسانی بودند که سواره حرکت می‌کردند و شعاره افرادی بودند که در جلو و عقب و چپ و راست سواره‌ها، پیاده می‌رفتند. شیخ حر و شیخ علی جبل عاملی نیز شعاره بودند.^{۱۴} معصوم بیگ نیز که پیش‌تر از او یاد کردیم، از مسیر شام به سمت حجاز حرکت کرده بود. در سندی که در خصوص راه معصوم بیگ، خطاب به بیگلربیگی وان نوشته شده، چنین آمده است:

«معصوم بیگ در مسیر حرکت خود از وان به شهرهای دیاربکر، حلب و شام، از ظلم و آزار مردم بر حذر داشته شده، جهت تأمین خورد و خوراک وی، سربازانی کاملاً مسلح به همراهش فرستاده شود.»

DM/7/1,S.913, 2502, (27/Ca/976)

پیش‌تر اشاره شد که عثمانی‌ها از روابط میان حجاج شیعه ایرانی با شیعیان

برای همین در اسناد عثمانی هم بسیار بیشتر از زائران این دو شهر در مقایسه با حجاج سخن به میان آمده است. کسانی که به حج می‌رفتند طبعاً عتبات را هم زیارت می‌کردند و هر اندازه عثمانی‌ها تلاش کردند تا در سفر حج مانع از زیارت شهرهای نجف و کربلا از طرف حجاج ایرانی شوند، لیکن موفقیتی در این باره کسب نکردند.

در حکمی به تاریخ ۹۷۶، خطاب به بیگلربیگی شام چنین آمده است:

بعضی از افراد طایفه عجم با وجود آن‌که از راه شام به حج رفته بودند، در بازگشت به قافله مدینه ملحق شده و به مدینه رفته‌اند. از آنجا نیز با گرفتن راهنما از راهی ممنوع - که باید همان راه جبل باشد - به بغداد عزیمت نموده‌اند. در این خصوص دقت فراوان مبذول گشته، به کسی از طایفه عجم اجازه سفر از راه مذکور داده نشده، در مورد استفاده و یا عدم استفاده طایفه عجم از راه مزبور تحقیق به عمل آید.»

DM.7/2,s.980/2717, (11/R/970) asli18

مادر شاه اسماعیل دوم در سال ۹۸۴ به سفر حج رفته و به احتمال زیاد قبل از رفتن

حاجیانی که از ایران می‌آمدند، همگی سفر حج خود را با زیارت نجف و کربلا همزمان انجام می‌دادند. خاتون آبادی، تعداد مسافرانی را که از راه عتبات به حج رفته بودند، ذکر می‌کند:

در سال ۱۱۱۵ هـ. میرزا محمد حکیم باشی، میرزا محمد وزیر تقی و جمعی اکثر از اعظم به زیارت عتبات عالیات رفتند و پسرهای، اعتمادالدوله سه نفر و میرزا حسن صاحب رقم زوار و حجاج قریب به ده هزار نفر رفتند. میرزا ابوالحسن مستوفی الممالک نیز در این سال رفت. در این سال فاضل مدقق، صاحب فطرت عالییه شیخ محمد جعفر کمره، شیخ الاسلام اصفهان سفر نمود. با اتفاق محمود آقا رفتند. در کرمانشاه بیمار شد و در امام موسی چاق شد و باز در آنجا نکس کرده به کربلا رفت و از آنجا متوجه نجف اشرف شد و در دو فرسخی نجف اشرف به رحمت خدا رفت.

باتوجه به نزدیکی جغرافیایی، زائران زیادی از ایرانی‌ها به عتبات در عراق می‌رفتند. طبعاً تعداد حجاج ایرانی به نسبت زائران نجف و کربلا اندک بود.



پخت طعام در صبحگاهان و شامگاهان رضایت ندارم. مگر نه آن است که زیارت اماکن مقدسه وقت و زمانی معین دارد. زائران بیش از حد معین در مشهدين نمانده و به موطن خویش بازگردانده شوند.

قزلباش‌هایی به نیت زیارت مشهدين شریفین و حج شریف آمده و همراه خود جنازه‌ای را برای دفن در آنجا آورده‌اند. اگر فرد در گذشته، از انساب و اولاد و ازواج شاه باشد، مانعی بر این کار نیست. زائران ایرانی از گذرگاهی که در عهدنامه‌ای میان دولت عثمانی و حکومت ایران معین شده، خارج نشوند.

DM6,17/39, (972)a

در فرمانی دیگر مربوط به زمان قانونی سلطان سلیمان و خطاب به بیگلربیگی بغداد آمده است:

«مکتوب فرستاده و در خصوص معامله با حجاج ایرانی سؤال شود، حجاجی که قصد مکه دارند، به بغداد نرفته با الحاق به قافله شام، از راهی دیگر عزیمت نموده، آنانی که نیت زیارت مشهدين را دارند، در زمانی معین آمده، چند روزی اقامت کرده، نذور خویش را توزیع کرده

به حج، کربلا و نجف را نیز زیارت کرده است.

وظیفه اصلی درباریانی که به شهرهای کربلا و نجف می‌آمدند، پخش صدقات بود، که بدین وسیله ایشان نفوذ و قدرت خود در منطقه را نشان می‌دادند. این همان کاری بود که حاکمان کشورهای سنی در حرمین انجام می‌دادند.

2MD6,s.313/665 (972)(asli danisgahta)

بغداد به احتمال زیاد به عنوان منطقه‌ای حساس تلقی می‌شد. از این رو، دولت عثمانی کنترل حجاج ایرانی را که به این شهر می‌آمدند، در صدر مهمات خود قرار می‌داد. این موضوع را در حکمی که در اختیار داریم، مشاهده می‌کنیم:

حکم به بیگلربیگی بغداد

دو نفر از نمایندگان شاه که از «یوکاری جانب» آمده‌اند، هدف رفتن در هر راهی را که داشته باشند، بدان سمت فرستاده شوند. به زواری که قصد زیارت مشهد ائمه را دارند و به دو فردی که از جانب شاه صدقه آورده‌اند، تا زمانی که بتوانند صدقات را به مستحقان و فقرای مشهدين شریفین برسانند، اجازت داده شد لیکن در خصوص امارت ایشان و

بیگلربیگی بصره آمده است:

«پیش‌تر، به کرات احکام شریف نوشته شده، مسدود شدن راه‌های بغداد به مکه و عدم عزیمت حجاج از این راه‌ها - یعنی راه جبل - امر شده است. با این حال در مخالفت با این امر شریف، محمد عثمان از اعراب بصره، به عنوان امیر حج تعیین و قافله حج مشتمل از عجم و عرب را گرفته، خبر عزیمت آنان از این طریق به ما رسید.

همین طور در حکم به امیر محمد عثمان آمده است:

در حالی که مسیر شام برای حج در نظر گرفته شده است و برای تأمین فقرا و مسافران در این مسیر ملزومات مقتضی فراهم آمده، شنیده می‌شود که از مسیرهای مختلفی از جانب بصره برای رفتن به حج مورد استفاده قرار می‌گیرد. این راه‌ها برای همیشه مسدود گشته و دیگر راهی مغایر امر احداث نگردد. سد این بدان جهت است که از طائفه جم کسی در این مسیر تلف نشده و وضعی مغایر با عهدنامه صلح پدیدار نشود. حجاج به همین صورت نایبستی از این طریق عزیمت نمایند.»^{۱۵}

DM12/1,2.429.827,(22/Ra/979)a

DM/12/1,467,896 (7/Ra/979)a

و به سرزمین خود مراجعت کنند. به دهن هیچ‌کس در داخل حرم اجازه داده نشده، در خارج حرم نیز غیر از خویشان و اولاد شاه کسی دفن نگردد. این احکام موافق مفاد عهدنامه عثمانی و صفویان است.

2 DM24, 43/124, (29/Za981)

موضوع دیگری نیز که در این حکم مطرح شده، ممنوعیت ورود به قلمرو عثمانی در زمان غیر موسم حج. عزیمت تمامی حجاج در زمان‌هایی که از قبل تعیین شده مجاز است و مأمورین عثمانی از رسیدن حجاج آگاهی یافته و برای استقبال از ایشان در سرحدات عثمانی آماده‌اند. لازم بود تا از این پس حجاج ایرانی از طریق مناطق غیر مسکونی به سمت مکه هدایت شوند.

زمانی هم که عبور از مناطق مسکونی اجتناب‌ناپذیر می‌شد، ارتباط و تماس ایشان با ساکنان منطقه تا حد ممکن محدود می‌شد.

در باره راه جبل، اسناد زیادی در اختیار داریم که دولت عثمانی به دلیل آن‌که نمی‌توانست راه جبل را کنترل کند، آن را به روی حجاج ایرانی بسته بود. پیش از این، چند سند از این نمونه نقل شد. در اینجا باز اسناد دیگری را ارائه می‌کنیم. در حکمی به



۴. مسیر بصره

وقتی از مسیر بصره سخن می‌گوییم باید توجه داشته باشیم که مقصود دو راه است:

یکی، راه خشکی که از شرق به غرب، عرض بیابان شمال جزیره العرب طی شده و کاروان به مدینه یا مکه می‌رسد و در جایی با راه جبل تلافی می‌کند.

دوم، راهی است که از حاشیه خلیج فارس به سمت جزیره العرب رفته و به راه لحسا شهرت دارد. این مسیر از حوالی ریاض می‌گذرد و به سمت حجاز می‌رود.

راه یاد شده تا این اواخر به عنوان راه خشکی مورد استفاده زائران ایرانی بود و در حال حاضر ماشین سواران مناطق حاشیه‌ای خلیج فارس از آن برای رفتن به ریاض و حج استفاده می‌کنند.

مناسبت‌ترین راه برای بیشتر حجاج ایرانی، سفر به بغداد و از آنجا به شهر بصره بود.

این راه در قرن دهم هجری، از نظر عثمانی، راه مطلوبی نبود. تأثیر مناقشات موجود میان دو امپراتوری مسلمان بر روی حجاجی که از قلمرو ایرانی به حج آمده بودند، بسیار متفاوت‌تر بود.

یکی از این مسائل، مربوط به راه بصره بود که دشواری‌های زیادی داشت و غالباً بسته بود و حجاج مجبور بودند از راه دیگر بروند.

دلیل مسدود شدن مسیر بصره آن بود که در بین این راه، گروه‌های بدوی ساکن بودند که عثمانیان هیچ کنترلی بر روی آنان نداشتند و دولت نیز از توافق ایشان با حکومت صفوی در زمان حج واهمه داشت.

از طرف دیگر امپراتوری عثمانی می‌بایست به خواسته‌های بزرگان بصره، که بندر استراتژیک بصره را در کنترل خود داشتند، توجه می‌نمود؛ زیرا بسته شدن راه بصره ضربه‌های اقتصادی زیادی متوجه آنان می‌کرد. عثمانیان رفت و آمد حجاج از این مسیر را، هر از گاهی ممنوع می‌کردند که سبب این امر هم عدم تضمین سلامت حجاج این مسیر از طرف عثمانیان بود.

هیچ‌یک از فرامین عثمانی، بسته شدن راه بصره به تلافی مشکلات ایجاد شده برای حجاج آسیای میانه را ادعا نمی‌کند، لیکن نقش این مسائل را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت.

اما راهی که عثمانی‌ها به عنوان

میان حجاج وارد شوند. در صورتی که این احتمال وجود ندارد، مسیر مناسب برای حرکت حجاج به صورت مشروح و مفصل اعلام شود.»

DM14,s385/542 (27/R/978)

گذرگاه بصره که از لحسا می‌گذرد، در زمان‌های مختلف به سبب‌های سیاسی، باز و مسدود می‌شد. اولیا چلبی در توصیف حج خود، در سال ۱۰۸۳، از حجاجی که از بصره آمده بودند، بحث می‌کند. اینان حجاجی بودند که از راه شام نرفته و از گذرگاه بصره عزیمت می‌نمودند. در حکمی به بیگلریگی لحسا آمده است: با عبور رافضیانی که با لباس مبدل و به بهانه حج از مرز گذشته و تا حرم پیش آمده‌اند، مساعدت به عمل نیاید.

صورتی از همین حکم به بیگلریگی بصره فرستاده شد.»

MD42,176/554 (28/Z/989)a

و در حکم دیگری به بیگلریگی
لحسا آمده است:

«از آنجا که عزیمت به مکه از جانب لحسا اکیداً ممنوع شده، حجاج از طرف شام به حج بروند.»

MD42, 282/868 (27/CA/989)a4

جایگزینی برای مسیر فوق در برابر حجاج ایرانی قرار داده بودند، بسیار پر مخاطره و ترسناک بود.

در حکمی به تاریخ ۹۷۸، نگرانی‌های حاکمان عثمانی در خصوص این راه آورده شده و دلیل مسدود شدن آن، سلب آسایش حجاج از جانب قزلباش‌ها خوانده شده، که در ساحل خلیج فارس مرتکب شرارت‌ها می‌شده‌اند و جلوگیری از اعمال آنان بیان گردیده است. با تمام حسن نیت، متضررین اصلی، مسدود شدن این راه را نیز حجاج مخلص می‌دانند.

IDM14,385/542 (978)a

در حکمی به بیگلریگی لحسا آمده است:

«از آنجا که از لحسا تا مکه ۲۰ روز راه است و بیشتر حجاج بدان خاطر این راه را ترجیح می‌دهند. علی‌رغم تحصیل مالیات میری فراوانی، حجاج عازم از این مسیر، طواف کعبه بدون اجازت پادشاه را جایز ندانسته و فایده‌ای در آن نمی‌بینند. از این رو، علماً تقاضا کرده‌اند تا نسبت به تردد حجاج از این راه، فرمان صادر گردد. تحقیق شود که آیا در صورت صدور اجازت تردد، احتمال دارد که افرادی از قزلباش‌ها آمده، در



حکم به بیگلربیگی بصره:

هرچند از زمان فتح بصره تا به حال، حجاج از این مسیر رفت و آمد کرده‌اند، از چند سال پیش به دلیل نبود اجازت، خلق مضطرب شده و تجارت معطل گردید. اعیان، ائمه و خطبای بصره تقاضای باز شدن مسیر بصره را کردند، لیکن باز شدن این راه به منزله ایجاد فرصتی برای «یوکاری جانب» نیز بوده و به همین دلیل از رفت و آمد حجاج از طریق مساعدت شود.

مسدود شدن این راه، کسب درآمد مردم منطقه و دولت عثمانی از مالیات‌های لحسا را، که مهمترین بندر دولت عثمانی در این منطقه به شمار می‌آید، با مشکل مواجه کرده است.

درخصوص حجاج نجد حکمی در اختیار داریم:

حکم به بیگلربیگی لحسا:

«شیخ عیسی، رییس قلعه دیلم، شیخ قلعه دراگنه و حسین، شیخ قلعه سلیمیه و احمد، شیخ قلعه ملتّم که درباره بردن و بازپس آوردن حجاج نجد در امنیت و سلامت تعهد دارند، مورد تحقیق و تفحص قرار گیرند.»

DM23,163/341

باز در حکمی دیگر به بیگلربیگی

لحسا آمده است:

«لغو اخذ یک فلوره از حجاج مکه، از جانب بیگلربیگی موجب خرسندی و ممنوعیت باشد. حجاج بیت الله از راه شام به مکه فرستاده شوند.»

DM27,115-271 (24/S/983)a

حکم به بیگلربیگی بصره و لحسا:

«اگر کسی از آن جانب قصد حج نماید، اذن داده نشده، راه مسدود گردد و متقاضیان عزیمت از راه شام و مصر به مکه بروند.»

DM6/1,S.200,761/2 (5/S, 972

اسنادی وجود دارد که براساس آن، راه بصره بعدها باز شده و حجاج از آن رفت و آمد نموده‌اند.

در حکم به بیگلربیگی بصره آمده است:

«اگرچه مردم بصره برای رفتن به مکه اجازه عبور از بیابان‌های بصره را طلب کرده‌اند، لیکن این راه به دلایلی دیگر منع شده و از طریق شام عزیمت نمایند.»

صورتی به بیگلربیگی بغداد و لحسا ارسال شود.»

DM43,114/211 (27/Ca/9A

۵. مسیر دریا

بعضی از حجاج ایرانی که عموماً از سیاحان و علما تشکیل می‌شدند، مسیر هند را برای رفتن به مکه ترجیح می‌دادند. آن‌ها با حرکت از این مسیر، به قصد حج اندکی راه طولانی می‌کردند، لیکن با گذر از این راه، با علما و دانشمندان هندوستان نیز ملاقات می‌نمودند. همچنین اماکن مهم هندوستان را هم بازدید می‌کردند. علاوه بر این، اتباع ایرانی مقیم هندوستان نیز همان مسیر را برای رفتن به حجاز بر می‌گزیدند.

سفر حج دریایی که به‌طور مستقیم از ایران مثلاً از طریق یکی از بنادر جنوب ایران هم باشد، بوده تا اوایل قاجار ایرانیان و خراسانیان از این راه استفاده می‌کردند. بندر صورت بندر حجاج بود و در خلیج فارس هم بندر عباس و بندر بوشهر بود.

محمد سعید مشیزی در ششم شعبان سال ۱۰۸۹ هـ. به حج رفت. از باغ شاه آباد (کرمان) حرکت کرده و به بندر کنگ که بندری ایرانی بود رسید. از آنجا با عبدالشیخ کنگی در ۶ ذی‌القعدة داخل بندر قنفة، که از بنادر حجاز است، شده و به مکه معظمه

محمد تقی مجلسی (۱۰۷۰-۱۰۰۳) در سال ۱۰۴۱ هـ. به حج رفت. او به راه بصره از مسیر خشکی لحسا حرکت کرد. او در کتاب خود می‌نویسد:

«در آن سال امیر بصره روز حرکت کارها کرده بود که در مقام قتل و نهب عجم برآمد. چون راه مکه مسدود شده بود و این ضعیف، سعی‌ها نمود در رفع آن و چون متوجه این راه شدیم، در منزل اول باران عظیم آمد.»

مرحوم محمد تقی مجلسی می‌گوید:

«با خواندن آیه الکرسی، حمله اعراب را دفع می‌نموده است؛ به طوری که بارانی از آسمان آمد، یاغیان وحشت زده شده، گریختند.»^{۱۶}

حکم به بیگلربیگی بصریا:

«از آنجا که سید سجاد حاکم مصححه از توابع ایران، بعضی از اعراب اهل فساد را، که در میان بصره و بغداد قطع طریق می‌نمودند، به حاکمان و بیگلربیگی بغداد مکتوب فرستاده، هفتاد تن را محبوس نموده که اکثر ایشان در حبس جان سپرده‌اند.»



بازگردند.^{۱۷}

رفتند.

در سال ۱۱۱۵ هـ. میرزا ربیع مستوفی،
خاصه در ماه رجب المرجب، متوجه سفر
حج بیت‌الله الحرام شد و از راه بندر کنگک و
مخا عازم حجاز گشت.^{۱۸}
بندر کنگک در آن دوره بندری بود که
ایرانیان از آن برای عزیمت به حجاز استفاده
می‌کردند.

آن‌ها بعد از حج‌گزاری تصمیم گرفتند
تا از راه شام به ایران بازگردند، با یکدیگر
در این باره استشاره می‌نمودند که چون راه
شام مأمورین تمام داشت، از آن راه بروند.
کسان دیگر این نظر را نپذیرفتند و گفتند که
از راه لحسا نزدیکتر به وطن است. در
نهایت تصمیم بر آن شد تا از راه لحسا

پی‌نوشت‌ها

۱. «اگرچه در این دوره مسیر یمن نیز مورد استفاده حجج بوده، لیکن در خصوص آن، اسناد چندانی در دست ما نیست.
۲. تاریخ مکه، احمد سباعی، ج ۲، صص ۳۹۵ و ۳۹۸
۳. 1 - Evliya Celebi seyahethamesi, Ucdal Nesriyat, c.X, Istanbul 1986. 156 Derbend Teskilati, C. Orhunlu, Istanbul, 1967, s.24. 157 Surre-i Humayun Munir Atalar, TDV, Istanbul s..234.
۴. مناسبات اصفهان و حجاز، ص ۲۲۹
۵. بانوی اصفهانی در دوره صفوی، ص ۵۱
۶. Tekeliler ve Teke Ogullari ,Sehabeddin Tekindag, s.5-59, IUEFTED, Istanbul 1977.
۷. Hacilar ve Sultanlar, s. 155
۸. الدرر الفرائد المنظمه في أخبار الحج والطريق مكة المعظمة، ج ۱ و ۲، دارالکتب العلمیه، بیروت، تحقیق محمد حسن اسماعیل، ۲۰۰۲
۹. همان، ص ۵۷
۱۰. همان کتاب، صص ۸۰ - ۷۳
۱۱. همان، ص ۷۰
۱۲. المدینة المنوره في رحلة العیاشي، به کوشش محمد امزون، دارالارقام، کویت، ۱۹۸۰، ص ۵۰

- ۱۳ . 167 Polonyali Simon'un Seyahetnamesi (1608-1619), Hrand, d.Endreasyan, Istanbul Unvrersitesi Yayilari, 1964.
- ۱۴ . مقالات تاریخی، دفتر ۱۲، چند گزارش از سفرهای حج دوره صفوی، رسول جعفریان، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲، قم، ص ۲۶۵
- ۱۵ .
- ۱۶ . خاطرات سفر حج محمد تقی مجلسی، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، رسول جعفریان، انتشارات پژوهشکده، جلد سوم، ص ۱۰۵
- ۱۷ . سفر به مکه، دشواری‌های آن از زمان محمد سعید مشیزی، مقالات تاریخی، دفتر دوازده، رسول جعفریان، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲، قم، ص ۲۷۱
- ۱۸ . وقایع السنین، خاتون آبادی، انتشارات اسلامیت.

